

Research Paper

Europe's Place in Iran's Foreign Policy With Special Focus on the 13th Government



•Davood Kiani¹

1. Department of Political Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.



Citation Kiani D. (2022). [Europe's Place in Iran's Foreign Policy With Special Focus on the 13th Government (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 12(Special Issue), 194-215. <https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699889>

<https://dx.doi.org/10.22034/SSPP.2022.699889>



Received: 06 Jul 2022

Accepted: 11 Sep 2022

Available Online: 22 Nov 2022

Keywords:

European Foreign Policy, JCPOA, International Geopolitical Developments, Foreign Policy of the 13th Government

ABSTRACT

Relations between Iran and Europe are more than four centuries old, and the first contacts with political goals go back to the era of Shah Ismail Safavi. Since then, Iran has gradually entered the geopolitical games between the European powers. Although the Islamic Revolution and Iran's ideological foreign policy changed the political relations between this country and the European countries, the economic relations remained largely intact and Iran remained Iran's first trade partner until the European Union joined the US nuclear sanctions in 2012. The purpose of the current research is to examine the ups and downs of the relations between Iran and Europe in the first place and then in the second and more important stage, to analyze the position of the European Union in the foreign policy of the 13th government. Based on this, the main research question is, what position does the European Union have in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran, especially the 13th government? In response to this question, the argument of this article is that, the Islamic Republic of Iran's economic and technological need for the European Union and Iran's efforts to prevent the convergence of the European Union with the United States towards this country, always make the expansion of cooperation with this union a strategic priority. Iran has transformed over the past decades. However, the experience of the European Union's inaction towards the withdrawal of the United States from the JCPOA and the increase in the position of the eastern powers in the international system have reduced the motivation of the 13th government in Iran to deepen relations with the European Union.

* Corresponding Author:

Davood Kiani

Address: Department of Political Sciences, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

E-mail: Davood.kiani@iau.ac.ir

مقاله پژوهشی

جایگاه اروپا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر دولت سیزدهم

داوود کیانی^۱

۱. گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چیکید

روابط ایران و اروپا قدمتی بیش از ۴ قرن دارد و اولین تماس‌ها با اهداف سیاسی به دوره شاه اسماعیل صفوی بازمی‌گردد. از همان موقع، ایران به تدریج وارد بازی‌های ژئوپلیتیک میان قدرت‌های اروپایی می‌شود. با آنکه انقلاب اسلامی و سیاست خارجی ایدئولوژیک ایران، روابط سیاسی میان این کشور و دولت‌های اروپایی را دگرگون کرده اما مناسبات اقتصادی تا بخش زیادی دست‌نخورده باقی ماند و ایران تا قبل از پیوستن اتحادیه اروپا به تحریم‌های هسته‌ای ایالات متحده در سال ۲۰۱۲، شریک نخست تجاری ایران باقی ماند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی فراز و فرودهای روابط ایران و اروپا در وهله نخست و سپس در مرحله دوم و مهم‌تر، تحلیل جایگاه اتحادیه اروپا در سیاست خارجی دولت سیزدهم است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که اتحادیه اروپا از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه دولت سیزدهم برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش استدلال این مقاله بر این پایه استوار است که نیاز اقتصادی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران به اتحادیه اروپا و تلاش ایران برای جلوگیری از هم‌گرایی اتحادیه اروپا با ایالات متحده در قبال این کشور، همواره گسترش همکاری با این اتحادیه را به یک اولویت راهبردی ایران طی دهه‌های گذشته تبدیل کرده‌است. با این حال، تجربه انفعال اتحادیه اروپا در قبال خروج ایالات متحده از برجام و نیز افزایش جایگاه قدرت‌های شرقی در نظام بین‌الملل از انگیزه دولت سیزدهم در ایران جهت تعمیق روابط با اتحادیه اروپا کاسته است.

تاریخ دریافت: ۱۵ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ انتشار: ۰۱ آذر ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

سیاست خارجی اروپایی، برجام، تحولات ژئوپلیتیکی بین‌المللی، سیاست خارجی دولت سیزدهم

* نویسنده مسئول:

دکتر داوود کیانی

نشانی: قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه علوم سیاسی.

رایانامه: Davood.kiani@iau.ac.ir

مقدمه

۱۳۷۸ و روحانی در سال ۱۳۹۴ به فرانسه سفر کرد، در حالی که ایران به سرمایه‌گذاری و تجارت با اروپا و نیز وزن بین‌المللی اتحادیه با توجه به عضویت ۲ قدرت اروپایی فرانسه و انگلیس در شورای امنیت سازمان ملل نیاز دارد، اما اروپا تصویر دیگری هم دارد. در تصویر دوم، اروپا میزبان و به نحوی حامی سازمان مجاهدین خلق، به‌عنوان گروه معارض مسلح نظام سیاسی ایران است.

بسیاری از چهره‌ها و نهادهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی ایران در اروپا مستقر هستند. شبکه‌های رسانه‌ای عمیقاً حمایت‌شده‌ای مانند «بی‌بی‌سی فارسی»، «من و تو» و «ایران اینترنشنال» پیوسته با پخش اخبار و برنامه‌های سیاسی در مورد ایران، در پی مدیریت افکار عمومی این کشور هستند. دوستی عمیق اروپا با رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران، از جمله عربستان و اسرائیل موجب هم‌گرا شدن نگرانی‌های آن‌ها با یکدیگر در به تصویر کشیدن «نقش بی‌ثبات‌زای» ایران در منطقه شده‌است. وابستگی امنیتی اروپا به ایالات متحده و شراکت عمیق و راهبردی اقتصادی میان آن دو خود داستان اثبات‌شده و بسیار گفته‌شده‌ای است.

مقاله پیش‌رو در ابتدا تلاش دارد تا تصویر جامعی از روابط ایران و اروپا پس از انقلاب اسلامی ایران ارائه دهد. با این حال، هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که دریابد اتحادیه اروپا در سیاست خارجی دولت نوپای سیزدهم از چه جایگاهی برخوردار است. علت پرداختن به این هدف، دگرگونی در شرایط ژئوپلیتیک بین‌المللی و به تعبیری شتاب گرفتن روند گذار بین‌المللی است. اینکه هم در محافل داخلی و هم غربی، قرن پیش‌رو، قرن آسیا تلقی می‌شود؛ آیا این مسئله تأثیری بر جمع‌بندی استراتژیک ایران درباره جایگاه اروپا در سیاست خارجی‌اش دارد؟ آیا

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زمان وقوع انقلاب اسلامی تاکنون، تعریف نوع رابطه با اروپا بوده‌است. شاید تنها قدرت بزرگی که ایران با آن هم منافع مشترک دارد و هم متعارض، اتحادیه اروپا باشد. اروپایی‌ها تا ۴ دهه گذشته هم بزرگ‌ترین خریدار نفتی ایران و هم بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در این کشور بوده‌اند. در مقابل، ایران هم یکی از بزرگ‌ترین بازارهای اتحادیه اروپا در خاورمیانه به‌شمار رفته‌است.

شاید اغراق نباشد اگر گفته شود اولین تجربه ایران در سیاست خارجی با اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ با آغاز گفت‌وگوهای انتقادی بوده‌است. دیگر بار، مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲، این موقعیت را به اروپا داد تا به‌عنوان میانجی‌گر بین‌المللی در مدت قریب به ۲ دهه، متولی حل یکی از پیچیده‌ترین اختلافات بین‌المللی شود. در نتیجه باید گفت ایران مشق خوبی برای تمرین سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی بوده‌است. آلمان هم از قبل عضویت در گروه +۱، بخت خود را برای حضور دائم در شورای امنیت سازمان ملل در آینده‌های مبهم در اذهان بین‌المللی تقویت کرده‌است.

با این همه، به‌نظر نمی‌رسد ایران و اتحادیه اروپا هیچ‌وقت در ۴ دهه گذشته، فاصله خود را با عادی‌سازی روابط نزدیک کرده باشند. به‌خاطر الزاماتی که این عادی‌سازی دارد، نه جمهوری اسلامی ایران مایل به این عادی‌سازی است و نه اروپا قادر و مایل به آن است. شاید یک شاخص مهم، آن باشد که از ابتدای انقلاب تاکنون هیچ رهبر سیاسی از تروئیکای اروپا به ایران سفر نکرده‌است. از سوی ایران نیز تنها یک بار خاتمی در سال

در میان این نوشته‌ها، مقاله «روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره پسابرجام» به قلم یاسر نورعلی‌وند شایسته مطالعه و توجه است. نگارنده در این مقاله به بررسی الزامات توسعه روابط ایران با اروپا در دوره پسابرجام و نتایج اقتصادی، سیاسی این مناسبات برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌است (نورعلی‌وند، ۱۳۹۶).

یکی از آثار درخور توجه در این رابطه که چاپ آن به ۱۰ سال پیش بازمی‌گردد، کتاب ۲ جلدی «ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها» به قلم جمعی از نویسندگان است که توسط مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده‌است (ابرار معاصر، ۱۳۹۲). به‌رغم آنکه این مجموعه، مقالات ارزنده‌ای را در خود جای داده، اما به دلیل به‌روز نبودن آن، تحولات مهم یک دهه اخیر در مناسبات ایران و اروپا را دربرنگرفته‌است.

پژوهش مهم دیگر در این رابطه، مقاله «تحریم اتحادیه اروپا علیه ایران، تأثیر و کارایی» نوشته رکسانا نیکنامی است که در فصلنامه روابط خارجی (ایرفا) در سال ۱۳۹۴ (نیکنامی، ۱۳۹۴) به چاپ رسیده‌است. همچنان‌که از نام مقاله پیداست، این پژوهش بر روابط ۲ کنش‌گر در سایه تحریم‌های بین‌المللی و نیز تحریم‌های اتحادیه اروپا متمرکز است. در میان آثار انگلیسی انجام‌شده پیرامون روابط ایران و اروپا باید گفت عمده این آثار عموماً یا تحت تأثیر مسئله و پرونده هسته‌ای ایران هستند یا اساساً از نگاه و زاویه‌ای غربی یا اروپایی به ماهیت این روابط پرداخته‌اند.

در سیاست خارجی دولت سیزدهم باید منتظر مشی متفاوتی از دولت‌های گذشته نسبت به اروپا باشیم؟

این پرسش‌ها و ابهاماتی از این دست، علت دست‌مایه اصلی نگارش این مقاله است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که اتحادیه اروپا از چه جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه دولت سیزدهم برخوردار است؟ در پاسخ به این پرسش استدلال این مقاله بر این پایه استوار است که نیاز اقتصادی و تکنولوژیک جمهوری اسلامی ایران به اتحادیه اروپا و تلاش ایران برای جلوگیری از هم‌گرایی اتحادیه اروپا با ایالات متحده در قبال این کشور، همواره گسترش همکاری با این اتحادیه را به یک اولویت راهبردی ایران طی دهه‌های گذشته تبدیل کرده‌است. با این حال، تجربه انفعال اتحادیه اروپا در قبال خروج ایالات متحده از برجام و نیز افزایش جایگاه قدرت‌های شرقی در نظام بین‌الملل از انگیزه دولت سیزدهم در ایران جهت تعمیق روابط با اتحادیه اروپا کاسته‌است.

۱. پیشینه پژوهش

روابط ایران و اتحادیه اروپا موضوعی است که دست‌مایه برخی تحلیل‌گران و نویسندگان ایرانی برای نگارش مقالات متعددی در این رابطه شده‌است. با این حال، عمده این آثار اولاً، از جنبه زمانی، عموماً به‌روز نیستند و طبعاً اثری از پوشش‌دهی تحولات پرشتاب در روابط ایران و اروپا طی ۴ یا ۵ سال اخیر در آن‌ها وجود ندارد. ثانیاً، این مقالات عموماً توسط تحلیل‌گران و متخصصان مطالعات اروپا نگاشته شده و محصول پایان‌نامه‌های دانشجویی است و عموماً از عمق لازم برخوردار نیستند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱.۲. چارچوب نظری: هویت دولت‌ها و سیاست خارجی

با آنکه رویکردهای نظری مختلفی در روابط بین‌الملل در مقام تحلیل سیاست خارجی وجود دارد، مقاله حاضر به دلیل ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و تأثیر شگرفی که این تحول بر سیاست خارجی ایران بر جای گذاشته، وامدار رویکرد فرهنگی سازه‌انگاری است. برخلاف ۲ رهیافت جریان اصلی و مدرن واقع‌گرایی و لیبرالیسم که صرفاً بر عوامل مادی در تحلیل سیاست خارجی تأکید دارند، سازه‌انگاران بر عوامل معنایی^۱ همچون نقش فرهنگ به‌عنوان نیروی اصلی بسیج اجتماعی و شکل‌دهنده به ادراکات تهدید و فرصت متمرکز است. در این رهیافت، سیاست خارجی محصول «جامعه‌پذیری»^۲ است. هویت و منافع مؤلفین اصلی سیاست خارجی هستند.

درحقیقت، سازه‌انگاران برای تحلیل رابطه میان ساختار بین‌المللی و سیاست خارجی بر عوامل معنایی تأکید دارند. نظریه‌پردازان هویت‌گرا معتقدند بدون شناخت هنجارهای تکوین‌کننده، کنش دولت‌ها در نظام بین‌الملل مبهم و تحلیل‌ناپذیر است (گریفیت و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۳-۵۱). هنجارها تعیین‌کننده معانی و قواعد حاکم بر سیاست خارجی دولت‌ها هستند. عمده دولت‌ها هنگام تصمیم‌گیری تنها خود را محصور عوامل مادی همچون موازنه قوا نمی‌دانند، بلکه افزون بر آن خود را احاطه‌شده توسط هنجارهای بین‌المللی نیز می‌بینند. ۲ مؤلفه هنجاری مهم که شکل‌دهنده و تغییردهنده هویت دولت‌ها هستند، عبارت‌اند از: جامعه‌پذیری و تغییرات

از جمله این آثار می‌توان به مقالاتی مانند «بعد از توافق اتمی ایران: رنج و گنج اروپا» (شیروانی و وکوییچ، ۲۰۱۵)، «اقدام متقابل و امنیت دسته‌جمعی: تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران» (دوپونت، ۲۰۱۲) و کتاب «اروپا و ایران: توافق اتمی و پس از آن» (آدبار، ۲۰۱۷) اشاره کرد. یکی از منابع ارزنده در این رابطه، مقاله «اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها» به قلم رادسلو فیدلر است (فیدلر، ۲۰۱۶). او اگرچه به اهمیت و جایگاه ایران در سیاست بین‌المللی اتحادیه اروپا و حتی به نقد سیاست آن اتحادیه در قبال ایران پرداخته، اما فاقد یک نگرش تحلیلی درخصوص سیاست خارجی ایران نسبت به اروپاست.

از دیگر منابع قابل‌اتکا باید به مجموعه مقالات «اروپا و ایران در خاورمیانه دستخوش تغییر» به قلم جمعی از پژوهشگران اروپایی و ایرانی اشاره کرد. اساس و هدف اصلی این کتاب؛ چالش‌ها، فرصت‌ها و موانع پیش‌روی ایران و اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه است. در یک مقاله از این مجموعه به قلم کورنلیوس آدبار و آندریا سیا تحت عنوان «آخرین خط دفاعی: روابط اتحادیه اروپا و ایران و آینده برجام» نویسندگان اساس پژوهش خود را به تبعات برجام بر روابط ۲ کنش‌گر قرار داده‌اند (دسیاندان تواس، ۲۰۱۸).

با توجه به خروج ایالات متحده از برجام و اتفاقات زیادی که در روابط ایران و اتحادیه اروپا و غرب طی ۴ سال اخیر از زمان چاپ ایده اثر رخ داد، این مقاله عملاً از پوشش تحولات دوره رئیسی در دولت سیزدهم خارج است.

1. Ideational Factors
2. Socialization

در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق و سیاست اسرائیل در قبال اراضی اشغالی شکل گرفت، عموماً نزد نویسندگان و تحلیل‌گران ایرانی به گفتمان آرمان‌گرایی یا انقلابی شهره است.

این گفتمان، سیاست خارجی را نماینده و تجلی هویت انقلابی نظام سیاسی ایران می‌داند. براین‌اساس، تا آنجا که به برساخته شدن خود انقلابی در گفتمان انقلاب بازمی‌گردد، این خود با ۳ خصوصیت اصلی استقلال‌طلبی، مقاومت و عدالت‌جویی تعریف می‌شود که هم شامل خود داخلی و هم خود جمعی جهانی است و دگرهای خارجی بیش از همه در ایالات متحده و اسرائیل تبلور می‌یابند و در درجات بعدی شامل قدرت‌های بزرگ می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۵۳).

این گفتمان، توسعه را بخشی از تلاش غرب که اروپا هم بخش اصلی آن است برای سلطه بر ایران قلمداد می‌کند. درحقیقت، گفتمان انقلابی‌گری، برای توسعه بستری بومی و درون‌زا در فضای غیریت‌سازی با غرب قائل است. این گفتمان با طرد توسعه به‌عنوان مفهوم غربی و جایگزین‌سازی آن با مفهوم پیشرفت مبتنی بر ۲ اصل عدالت‌جویی و توجه به پیشرفت از منظری اسلامی و ضدغرب (علی‌پور، ۱۳۹۸: ۴۶۶) دیگر قائل نیست که سیاست خارجی باید اهدافی مانند تنش‌زدایی و تعامل با غرب را دنبال کند، چه آنکه تحقق چنین اهدافی به معنای از بین رفتن مبانی این گفتمان است.

در برابر این گفتمان پر قدرت و تقریباً حاکم بر بیش از ۴ دهه سیاست خارجی ایران، گفتمان دیگری قرار دارد که با آنکه در ۳ دهه اخیر، قدرت اجرایی را جز یک دوره ۸ ساله ریاست جمهوری احمدی‌نژاد در اختیار داشته، اما از اختیارات کافی

هنجاری. در توضیح هویت دولت‌ها باید گفت که این هویت‌ها برساخته‌های اجتماعی‌اند. بدین معنا که دولت‌ها^۲ کنش‌گرانی اجتماعی هستند که در تعامل با یکدیگر واقعیت اجتماعی را می‌سازند (وندت، ۱۹۹۹: ۱۹۸).

اینکه دولت‌ها چه تصویری از خود دارند، پای کدام ارزش و اصول می‌ایستند و چگونه خود و دیگری را تعریف می‌کنند، پایه‌های این جامعه‌پذیری را شکل می‌دهند. هویت در این میان، خودبرساخته‌ای است که از برهم‌کنش عوامل داخلی و خارجی قوام می‌یابد. به باور سازهانگاران، هویت دولت‌ها اشاره به مجموعه روابطی دارد که طی آن، دولت‌ها بر پایه هویتی که برگزیده‌اند، دولت‌های دیگر را در یکی از دسته‌های «دوست»، «دشمن» و «رقیب» جای می‌دهند.

در رهیافت سازهانگاری، هنجارها قالبی هستند که هویت دولت‌ها در چارچوب آن‌ها عمل می‌کند. یک دولت می‌تواند هنجارهای معینی را برگزیند و در پذیرش برخی دیگر امتناع کند. در محیط داخلی دولت، خرده‌هویت‌های رقیبی همچون نحله‌های مذهبی، گروه‌های قومی یا ملی‌گرایی وجود دارند که هریک در تلاش برای تبدیل شدن به گفتمان مسلط در شکل‌دهی یا تغییر سیاست خارجی با یکدیگر رقابت می‌کنند.

در حوزه سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در قبال اروپا ۲ گفتمان همواره وجود داشته که در شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاست ایران در چند دهه گذشته پس از انقلاب نقش آفرین بوده‌اند. مؤلفه‌های اصلی گفتمان نخست که به تدریج در نتیجه وقایعی مانند حمله دانشجویان خط امام به سفارت ایالات متحده و بحران گروگانگیری، رفتار و سیاست ۲ گانه غرب

3. State Identity

کشتار جمعی در سطح جهانی و کسب وجهه و اعتبار در این زمینه از یک سو و تسلیح رژیم صدام به‌عنوان یکی از سفاک‌ترین دیکتاتورهای قرن بیستم به تسلیحات شیمیایی از طریق در اختیار دادن مواد و تجهیزات لازم به آن کشور جهت ساخت انواع بمب‌ها و گازهای شیمیایی قابل کاربرد در جنگ از سوی دیگر است.

شهادت و زخمی شدن ده‌ها هزار تن از نظامیان و مخصوصاً غیرنظامیان ایرانی و کردهای عراق در پی استفاده از این تسلیحات و سکوت و تماشاگری اروپا در این زمینه، بدون حتی شناسایی رسمی این اقدام به‌عنوان یک جنایت جنگی، به‌صورت نقطه‌ای تاریک و محو‌ناشدنی در سابقه و عملکرد کشورهای اروپایی، خصوصاً آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، هلند و اتریش باقی خواهد ماند.

از این موضوع که بگذریم، اروپا از یک سو، به رابطه تجاری و اقتصادی خود با ایران چه در طول جنگ و چه پس از آن ادامه داده‌است و از سوی دیگر، همواره پایگاه و پناه و مأمنی برای معارضین سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منسوبان رژیم پهلوی گرفته تا گروهک ستیزه‌جوی منافقین و رجال سیاسی رانده‌شده از انقلاب بوده‌است. این اقدام اروپا را می‌توان منشأ سوءظن شدیدی از سوی ایران نسبت به اهداف و مقاصد واقعی اروپا نسبت به این کشور قلمداد کرد.

درحقیقت، سیاست و مشی ۲ ریلی اروپا در قبال ایران پس از انقلاب یکی از سرچشمه‌های اصلی رقابت و اختلاف ۲ گفتمان داخلی در کشور بر سر تعریف جایگاه اروپا در سیاست خارجی ایران است. جریان سیاسی که گفتمان آرمان‌گرایی را نمایندگی می‌کند، با ترویج غرب‌ستیزی که اروپا نیز جزئی از

در عرصه سیاست خارجی برخوردار نبوده‌است. از حیث نام‌گذاری می‌توان آن را گفتمان واقع‌گرایی یا عمل‌گرایی انتقادی نامید (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۵۶). گفتمانی که سیاست خارجی را ابزار و اسباب توسعه و توسعه امری برون‌زا دانسته و تحقق آن را در گرو کاهش تنش با غرب و دست‌کم با اروپا می‌داند.

این گفتمان که خط سیر اصلی حرکت دولت‌های سازندگی، اصلاحات و اعتدال بوده‌است، برای تعامل‌های مهمی بیش از استقلال قائل است و عادی‌سازی روابط خارجی با نظام بین‌الملل در قالب دولت‌بودگی را مرجع بر هویت انقلابی سیاست خارجی می‌داند.

به‌یقین، کنش و عملکرد پیچیده اروپا در قبال ایران در طول ۴ دهه گذشته، از عوامل اصلی رقابت میان این ۲ گفتمان بر سر تعریف جایگاه اروپا در سیاست خارجی کشور است. اروپا از یک سو، در برابر خواست ایالات متحده برای تحریم همه‌جانبه ایران به‌واسطه اشغال سفارت آن کشور مقاومت کرد، اما از سوی دیگر، کامل با سیاست ایالات متحده در قبال جنگ ۸ ساله ایران و عراق مبنی بر مهار ۲ جانبه همراهی کرد؛ چه در عدم تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت عراق به‌واسطه تجاوز به خاک ایران و نقض سریع منشور ملل متحد و چه در حمایت تسلیحاتی از رژیم بعث و از همه فاجعه‌بارتر، کمک به صدام در توسعه و به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی علیه نیروها و شهروندان ایرانی و کردهای آن کشور.

حمایت اروپا و به‌طور کلی غرب از عراق در طول جنگ احتمالاً براساس منطق روابط بین‌الملل و قاعده تبعیت کشورها از منافع ملی قابل توجیه است، اما آنچه به‌هیچ‌عنوان قابل دفاع نیست، اقدام به توسعه و گسترش رژیم‌های خلع سلاح و تسلیحات

هر ۲ توافق با خلف وعده دولتماندانان اروپایی به دلیل پیچیدگی مسئله قوا در اروپا به سرانجامی نرسیدند و سپاه روس در ۲ جنگ نابرابر، ۲ قرارداد گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸) را که موجب جدایی همیشگی سرزمین‌های قفقاز از ایران شدند، بر این کشور تحمیل کرد. ضعف شدید حکومت مرکزی در ایران و سیطره سنگین روسیه و انگلیس بر سیاست داخلی ایران، جایگاه این کشور را به‌عنوان یک وزنه ژئوپلیتیک در سیاست‌های جهانی اروپایی از بین برد و تنها با شکل‌گیری یک دولت مرکزی بالنسبه نیرومند به سرکردگی رضاخان بود که مجدد یکی دیگر از قدرت‌های اروپایی این بار آلمان نازی اتحادی را با ایران جهت تشکیل جبهه‌ای مشترک علیه منافع انگلیس و روسیه برقرار کرد، اتحادی که با شکست آلمان از متفقین موجب اشغال نواحی شمالی و جنوبی ایران توسط قوای روس و انگلیس شد.

با دو قطبی شدن نظام بین‌الملل و قرار گرفتن تمام کشورهای اروپای غربی در اردوگاه ایالات متحده، ایران دگر بار اهمیتی راهبردی در سیاست موازنه غرب علیه اتحاد جماهیر شوروی پیدا کرد. تنها در این دوره است که اروپا در سایه چتر امنیتی ایالات متحده روابط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ایران هم برای تعقیب منافع خود و هم برای جلوگیری از غلبیدن ایران در نظام کمونیستی شوروی برقرار می‌کند. روابط ایران و اروپا در دوره جنگ سرد تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی را باید پرثمرترین دوره در روابط ایران و اروپا در نظر گرفت، روابطی که حجم مناسبات اقتصادی ایران با اروپا از حجم کل روابطش با ایالات متحده فزونی گرفت.

آن است، خواهان تعمیق روابط با قدرت‌های اروپایی نیست، حال آنکه گفتمان عمل‌گرایی انتقادی و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا، گرایش به توسعه روابط با اروپا لازمه تعامل با نظام بین‌الملل آن هم در شرایط قطع شدن همه‌جانبه روابط ایران و ایالات متحده می‌داند.

۳. یافته‌های پژوهش

۱۰۳. روابط ایران و اروپا: در بستر تاریخ

از دیدگاه ژئوپلیتیک، تاریخ چهارصد و اندی ساله روابط ایران و اروپا حکایت از آن دارد که ۲ طرف همواره یکدیگر را به دید متحدی احتمالی برای مقابله با دشمنی مشترک نگریسته‌اند. در واقع، همان قدرت‌هایی که رقیب ژئوپلیتیکی ایران در محیط پیرامونی‌اش بوده‌اند، تهدیدی جدی و بزرگ نیز برای اروپا به‌شمار می‌رفته‌اند. قبل از فروپاشی امپراتوری صفوی، امپراتوری عثمانیان تهدید مشترک بود، تهدیدی که موجب مکاتباتی چند بین شاهان صفوی و سلاطین اروپایی شد. این مکاتبات به‌دلیل دوری راه و سختی امکان ارتباط به سرانجام مشخصی نرسید.

با طلوع روسیه به‌عنوان قدرتی بزرگ در صحنه سیاست اروپا و چشم‌داشت آن امپراتوری به مناطق تحت حاکمیت ایران در آن سوی ارس، رفته رفته روسیه نیز به یک تهدید ژئوپلیتیکی مشترک میان ایران و قدرت‌های معظم اروپایی تبدیل شد. این بار این تهدید، دست‌مایه توافقات استراتژیکی در زمان خود میان فتحعلی‌شاه قاجار و دولت انگلیس در سال ۱۸۰۱ و دیگری با فرانسه ناپلئون موسوم به فینکن اشتاین در سال ۱۸۰۷ شد.

دقیقاً در همین رابطه، لومان علی در کتاب «دیپلماسی بریتانیا و انقلاب ایران (۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱)»، به دفعات، علت اصلی ناآگاهی بریتانیا نسبت به وقوع انقلاب در ایران و غفلت این کشور از حمایت مؤثر از شاه پهلوی را در غلبه یافتن نگاه اقتصادی در کلیت سیاست خارجی انگلیس می‌داند، نگاهی که سیاست آن کشور در قبال ایران را تحت تأثیر قرار داد، به‌نحوی که در چارچوب این نگرش، بخش بازرگانی و اقتصادی سفارت انگلیس در تهران به ضرر بخش سیاسی آن تقویت شد (علی، ۲۰۱۸: ۶۷-۳۷).

درحقیقت، رشد درآمد‌های نفتی ایران در دهه ۱۹۷۰ هوش از سر کشورها و شرکت‌های اروپایی برای تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران برده بود. ایتالیا در نیمه دوم این دهه موفق شده بود تا یک سرمایه‌گذاری ۵/۵ میلیارد دلاری را توسط غول‌های صنعتی آن کشور در ایران انجام دهد که در یک نمونه مهم آن به ساخت و توسعه بندرعباس منتهی شد. در سال ۱۹۷۴ ایران به یک توافق اولیه با شرکت کرافت ورک یونین^۴ (شاخه‌ای از غول صنعتی زیمنس) برای ساخت ۲ نیروگاه اتمی ۱۲۰۰ مگاواتی در اطراف بوشهر با وعده تحویل در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ رسیده بود.

شرکت فرانسوی فرام اتم^۵ نیز قرارداد ساخت راکتور ۹۰۰ مگاواتی روی پل کارون با موعد تحویل در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ را با ایران به امضا رسانده بود. در ادامه و تکمیل این قراردادها، شرکت اروپایی یورودیف^۶ نیز که مرکز غنی‌سازی آن در فرانسه قرار داشت، تعهد کرده بود در ازای دریافت

در این دوره، اروپایی‌ها برای نخستین بار در تاریخ مناسبات مشترک، نقش منطقه‌ای ایران را به‌عنوان ژاندارم منطقه که در دکتترین نیکسون تعریف شده بود و با خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ تعیین یافته بود را شناسایی کردند. انگلیس پس از ایالات متحده به بزرگ‌ترین فروشنده سلاح به ایران با فروش ۱/۸ میلیارد پوند اسلحه به این کشور در فاصله سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ تبدیل شد و ایران نیز در مقابل به حافظ منافع بریتانیا در منطقه خلیج فارس بدل شد (کاستیگلیونی، ۲۰۱۵: ۷۳).

دهه ۱۹۷۰ را باید اوج روابط ایران و دول بزرگ اروپایی دانست. در دهه یادشده، این ایران بود که برخلاف سنت دیرین به انگلیس و فرانسه وام می‌داد و در صنایع آلمان غربی سرمایه‌گذاری هنگفت می‌کرد. رقابت پرتبوتاب اروپایی‌ها برای بهره‌مندی از سهم بیشتر از بازار ایران موجب شده بود که حتی انگلیس که برای دست‌کم یک قرن و نیم نبض سیاست داخلی ایران را در دست داشت با مفروض پنداشتن ثبات سیاسی در ایران، تمرکز خاص خود را بر گسترش روابط اقتصادی با ایران بنا نهد، سیاستی که بعدها در اسناد و گزارشات محرمانه آن دولت مورد نقدهای جدی قرار گرفت.

نیکلاس براون در گزارشی محرمانه تحت عنوان «سیاست بریتانیا در قبال ایران در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸» که تقریباً ۲ دهه بعد از نگارش آن، از آرشیو وزارت خارجه آن کشور خارج شد و نویسنده نیز خود بعدها در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ سفیر این کشور در ایران شد، به تفصیل به ارزیابی غفلت انگلیس از تحولات داخلی منجر به انقلاب ایران طی دهه ۱۹۷۰ و خوش‌بینی مفرط سفیر وقت آنتونی پارسونز و وزارت خارجه آن کشور نسبت به اقتدار داخلی محمدرضا شاه حتی تا ۳ ماه مانده به انقلاب می‌پردازد (براون، ۲۰۱۰).

4. Kraftwerk Unon
5. Framatome
6. Eurodif

۲.۳. انقلاب اسلامی و روابط ایران و اروپا

وقوع انقلاب اسلامی در ایران در بهمن سال ۱۳۵۷ نقطه عطفی تاریخی در روابط ایران و غرب است. ایران که تا پیش از این در دیدگاه اروپایی‌ها به‌عنوان نیروی موازنه‌گری در برابر تهدیدات ژئوپلیتیکی آن‌ها تعریف می‌شد، حال دیگر خود به تهدیدی علیه منافع منطقه‌ای آن‌ها تبدیل شد که باید مهار می‌شد. در این میان، رویدادهای پرشتاب پس از انقلاب همچون فرار محمدرضا شاه به ایالات متحده، مسئله گروگان‌گیری کارکنان سفارت ایالات متحده و آغاز حمله عراق به ایران احتمالاً با تشویق ایالات متحده و اروپا، روی هم‌رفته غرب‌ستیزی را که از دهه آخر سلطنت پهلوی در جامعه ایران شکل گرفته بود، به گفتمانی مسلط و عنصری مشروعیت‌بخش به ایدئولوژی حاکم بر سیاست خارجی ایران تبدیل کرد. با اینکه از همان ابتدا روابط ایران و انگلیس عمدتاً به‌واسطه روابط ویژه انگلیس با ایالات متحده و نگرانی از احتمال دسیسه‌چینی انگلیسی‌ها علیه انقلاب نظیر آنچه که در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ رخ داده بود و به‌طور کلی هیجانات ناشی از انقلاب، تنش آلود بود و عاقبت از سال ۱۹۸۰ حدوداً به مدت ۱۰ سال موجب قطع روابط دیپلماتیک بین ۲ کشور شد.

دیگر کشورهای اروپای غربی با فاصله گرفتن از سیاست‌های تقابله‌جویانه ایالات متحده علیه دولت انقلابی به‌علت یا بهانه (یا بلکه هر دو) احتمال ناگزیر شدن ایران در نزدیک شدن به شوروی و تنها با اعمال پاره‌ای از تحریم‌های خفیف در آوریل سال ۱۹۸۰، مناسبات اقتصادی و دیپلماتیک خود را با ایران به‌رغم یک کاهش اولیه در ماه‌های اول انقلاب ادامه دادند.

وام ۱ میلیارد دلاری برای تأمین مالی ساخت آن نیروگاه، ۱۰ درصد از سهام خود و به همان نسبت سهم از سوخت حاصل از نیروگاه را به ایران واگذار کند (کاستیگلیونی، ۲۰۱۵: ۷۴).

در این دوره، این ایران بود که با برقراری روابط مبتنی بر حسن همجواری با شوروی و تکیه بر درآمدهای خیره‌کننده نفتی، مناسبات اقتصادی خود را با اروپا تنظیم کرده و آن را از حالت یک رابطه تجاری صرف به یک تعامل عمیق اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌گذاری در ایران تبدیل کرده بود. تا آنجا که در پایان سال ۱۹۷۸، جامعه اقتصادی اروپا به شریک نخست تجاری ایران و ایران نیز به شریک تجاری ششم آن اتحادیه اقتصادی درآمده بود. از آنجا که ۹۴/۵ درصد صادرات ایران به اروپا را تولیدات نفتی تشکیل می‌داد، ایران بعد از عربستان سعودی، دومین صادرکننده نفت و مشتقات نفتی به اروپا به‌شمار می‌رفت (مجله جامعه اروپایی، ۱۹۸۷: ۱۰).

همچنان‌که ذکر شد هیچان فراوان اقتصادی اروپا برای توسعه روابط با ایران و رقابت آن‌ها با یکدیگر در این زمینه را باید دلیل اصلی غفلت آن‌ها از تحولات سیاسی داخل ایران دانست، تحولاتی که عاقبت در بهمن سال ۱۳۵۷ (فوریه سال ۱۹۷۹) موجب انقلاب در ایران شد. سفیر وقت ایتالیا در ایران، گیلیو تاماگنینی، برداشت خود را از ایران کمتر از ۲ سال مانده به انقلاب این‌گونه روایت می‌کند: زمانی که مأموریت من در تهران در دسامبر ۱۹۷۷ آغاز شد، ایتالیا و دوستان خارجی، ایران را سرزمین فراوانی می‌دانستند که تحت رهبری حکیمانه شاه و به برکت عواید نفتی روزبه‌روز غنی‌تر و پررونق‌تر می‌شد (کاستیگلیونی، ۲۰۱۵: ۷۳). روایتی که کمتر تفاوتی با برداشت سفیر وقت بریتانیا در تهران (فوریه سال ۱۹۷۹)، آنتونی پارسونز در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ داشت.

این مسئله تا آنجا پیش رفت که فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، در خبری مهم و غیرمنتظره در جولای سال ۱۹۹۱ از برنامه خود برای سفر به ایران خبر داد، اتفاقی که اگرچه بنا به دلایلی نیفتاد، اما کاملاً پیدا بود که از عزم اروپا برای آغاز مرحله‌ای جدید از روابط میان ایران و اروپا خبر می‌داد.

سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ را باید مهم‌ترین دوره در روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اتحادیه اروپا پنداشت. در این دوره، اتحادیه اروپا تلاش کرد تا مناسبات گسترده اقتصادی مبتنی بر تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران در چارچوب گفت‌وگوهای انتقادی با وجود مخالفت‌های بی‌امان ایالات متحده و انگلیس برقرار کند. اروپا مهم‌ترین نشانه از این اراده را در مخالفت با قانون داماتو که سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار را در صنعت نفت و گاز ایران منع می‌کرد، عیان ساخت. با ورود شرکت توتال در صنعت نفت ایران یک سال قبل از قانون داماتو و نیز انعقاد قرارداد ۲ میلیارد دلاری برای استخراج گاز در پارس جنوبی به‌همراه یک شرکت روسی و یک شرکت مالزیایی یک سال پس از تصویب قانون مذکور، یعنی در سال ۱۹۹۷ و عقب‌نشینی ایالات متحده در اعمال تحریم علیه این شرکت‌ها، عملاً راه برای ورود دیگر شرکت‌های اروپایی در این زمینه هموار شد (ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۳۲). نباید فراموش کرد که این مشی جدید اروپایی بدون سیاست تنش‌زدایی ایران با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس امکان‌پذیر نبود.

آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران در سایت نطنز توسط منافقین، ریل روابط ایران و اتحادیه اروپا را به‌طور کامل عوض کرد. حاصل ۱۰ سال گفت‌وگوی انتقادی و جامع که قرار بود در سال ۲۰۰۳ به یک

البته ترس از گرایش ایران به شوروی، تنها علت تداوم مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی اروپا با ایران نبود. حمله عراق به ایران و نگرانی از غلبه رژیم بعث مستظهر به پشتیبانی نظامی شوروی و فرانسه علت دیگری بود که اروپا را به تداوم حمایت از حفظ مناسبات با ایران سوق می‌داد. در آن‌زمان، منافع غرب و اسرائیل ایجاب می‌کرد که این جنگ برنده‌ای نداشته باشد (پارسی، ۲۰۰۷). بنابر آمارهای منتشرشده در سال ۱۹۸۷، ایران ۴۵ درصد نیاز وارداتی خود را از اروپا تأمین می‌کرد. این در حالی است که ۱۰ سال قبل، یعنی در سال ۱۹۷۷، این عدد ۴۴ درصد بوده‌است.

در سال‌های منتهی به دهه ۱۹۹۰ جز یک مورد حاد، آن هم دعوای ایران و انگلیس بر سر فتوای امام خمینی (ره) علیه سلمان رشدی به‌واسطه چاپ کتاب آیات شیطانی و جانبداری اروپا از انگلیس در این زمینه، در سایر حوزه‌ها، تحولاتی رقم می‌خورد که ایران و اروپا را برای عادی‌سازی روابط ترغیب می‌کند.

پایان جنگ ۸ ساله ایران و عراق به عنوان بزرگ‌ترین سنگ سر راه هرگونه مشی تنش‌زدایی، فروپاشی نظام دو قطبی و آزاد شدن فکر و ذکر و نگرانی ایران و اروپا از شوروی، حمله عراق به کویت و سیاست سازنده ایران در قبال این بحران، آزادی گروگان‌های فرانسوی از سوی حزب‌الله لبنان و حل شدن برخی مسائل جزئی‌تر مثل اختلاف ایران و فرانسه بر سر مسئله قدر سهم ایران در شرکت یورودیف در کنار تمایل راهبردی اروپا برای ایفای نقش مستقل از ایالات متحده در مناسبات جهانی، همگی یک آهنگ واحد با ۲ مفهوم هم‌عرض را در روابط ایران و اروپا سر می‌داد: عادی‌سازی از سوی اروپا و تنش‌زدایی از سوی ایران.

۲۰۰۵، مسئله ایران همواره این بوده است که چگونه می‌توان برنامه هسته‌ای را پیش برد، به گونه‌ای که اجرای آن، ایران را در ورطه رویارویی نظامی با ایالات متحده و اروپا قرار ندهد.

درحقیقت، تجمیع این ۲ چالش یا نگرانی از سوی اتحادیه اروپا و ایران آن شد که با وجود اقدام دولت‌های اروپایی در ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ و صدور ۶ قطعنامه از سوی آن شورا علیه ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ (قطعنامه‌های شماره ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹)، طرفین همچنان برای حصول به یک توافق بزرگ، مسیر دیپلماسی را ادامه دادند.

اگر بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، اتحادیه اروپا تلاش کرد تا از طریق سازوکار موسوم به EU3 شامل ۳ قدرت اصلی اروپایی: فرانسه، آلمان و انگلیس و با حضور نماینده ارشد سیاست خارجی اروپایی در آن زمان به ریاست خاویر سولانا، مذاکرات اتمی با ایران را راهبری کند، پس از ارجاع پرونده اتمی ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل، این سازوکار به ۵+۱ با شرکت ۵ عضو دائم شورای امنیت و آلمان تغییر شکل داد.

با این همه، آنچه مشی کلی اروپا در قبال ایران را در طول این دوره ۲۰ ساله از زمان آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران تاکنون در مقایسه با دوره ۱۰ ساله گفت‌وگوهای انتقادی و جامع جدا می‌کند، تلاش قدرت‌های اصلی اروپا برای اعمال نوعی موازنه نرم علیه این کشور است. به لحاظ اقتصادی، اروپا ایران را در لیست سیاه گروه اقدام مالی^۸ قرار داد

توافق جامع اقتصادی تحت عنوان «موافقت‌نامه تجارت و همکاری»^۷ منجر شود و روابط ۲ طرف را برای نخستین بار پس از انقلاب، نهادی و تعریف شده کند، به یکباره محو شد و گفت‌وگوهای جامع جای خود را به مذاکرات هسته‌ای داد.

از سال ۲۰۰۳ تاکنون، اتحادیه اروپا به جای یک شریک تجاری و اقتصادی، رفته رفته به یک میانجی‌گر هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های بزرگ تبدیل شد. فعالیت‌های هسته‌ای که به موازات گسترش آن به تدریج با افزایش نفوذ ایران در عراق و تشکیل محور مقاومت همراه بود، ۲ اصل اساسی یا شاید بهتر است گفته شود ۲ خط قرمز اتحادیه اروپا در خاورمیانه را به خطر می‌انداخت: حفظ برتری نظامی اسرائیل و منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه.

در همان اوان آشکار شدن برنامه اتمی ایران، اتحادیه اروپا نیم‌نگاهی به ترمیم روابط آسیب‌دیده خود با ایالات متحده پس از مخالفت بخش اعظم اعضای این اتحادیه با حمله این کشور به عراق داشت. از سوی دیگر، اروپا تلاش می‌کرد تا در ورطه انتخاب میان ۲ گزینه خطرناک نیفتند: انتخاب میان هسته‌ای شدن ایران و حمله نظامی ایالات متحده به این کشور. توافق پاریس میان ایران و ۳ قدرت اصلی اروپایی در سال ۲۰۰۴ بر سر تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ازای اعطای امتیازاتی اقتصادی به آن کشور و مخالفت ایالات متحده با این توافق نشان از چالش بزرگی بود که دیپلماسی اروپا با آن مواجه بود، چالشی که به شکل عمیق‌تری پس از خروج ایالات متحده از برجام مجدد تکرار شد. در مقابل، پس از رفع تعلیق هسته‌ای از سوی ایران در سال

8. Instrument in Support of Trade Exchanges

7. Financial Action Task Force

استاکس نت در سال ۲۰۰۷، این احتمال و گمانه را تقویت می‌کند که ممکن است سرویس‌های اروپایی در سایر عملیات‌های خرابکارانه مثل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران دست داشته باشند.

عاقبت، مجموعه فشارهای غرب و پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری خرداد سال ۱۳۹۲، راه را برای توافقی باز کرد که باید آن را اولین و بزرگ‌ترین توافق استراتژیک ایران و غرب پس از انقلاب اسلامی دانست. به لحاظ بین‌المللی، اگر برجام را دستاورد دیپلماتیک اروپا بدانیم، سخن گزافی نیست. قدرت‌های اصلی اروپا در متقاعد کردن طرفین بحران، یعنی ایالات متحده و ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۶ هم که زمان اجرای برجام اعلام شد، همه انتظارات در ایران از اروپا بود که با لغو تحریم‌های خود، نتیجه عملی این توافق را با آزادسازی ذخایر ارزی بلوکه‌شده ایران، از سرگیری خرید نفت، اتصال مجدد بانک‌های ایرانی به سوئیفت و هموارسازی مسیر تجارت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی نشان دهند. این نشانه‌ها هم با سرازیر شدن انبوهی از هیئت‌های تجاری و سیاسی از اروپا و سفر یک هیأت بلندپایه دیپلماتیک از اتحادیه اروپا با هدایت موگرینی، نماینده ارشد وقت سیاست خارجی اتحادیه در همان سال نخست اجرای برجام آشکار شد.

از همه این نشانه‌ها مهم‌تر، دعوت ۲ دولت کلیدی اتحادیه اروپا، یعنی ایتالیا و فرانسه از رئیس‌جمهور ایران برای سفر به آن کشورها به فاصله چند روز پس از اجرای برجام بود. این دیدارها بعد از سفرهای خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران به اروپا، دومین سفر بلندپایه‌ترین مقام اجرایی کشور به اروپا پس از انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. درحقیقت، سفر

و با اعمال تحریم‌های گسترده در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ موجب شد تا تولید ناخالص داخلی ایران به‌شکل قابل توجهی کاهش یابد.

این اتحادیه با اعمال تحریم‌های گسترده نفتی، پولی، بانکی و کشتیرانی و قطع دسترسی ایران به شبکه بانکی سوئیفت، حلقه محاصره اقتصادی ایران را کامل کرد، به‌گونه‌ای که بر اثر این تحریم‌ها، صادرات ۱۱/۳ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا به ایران در سال ۲۰۰۶ با کاهش ۵۱ درصدی به ۵/۴ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۳ تنزل یافت (مودرال، ۲۰۱۶: ۴۳).

از نظر سیاسی و نظامی پس از وقوع انقلاب‌های عربی، اتحادیه اروپا در مقابل ایران قرار گرفت و با حمایت از مخالفان سیاسی اسد در سوریه و پشتیبانی از نیروی سرکوب دولت‌های محافظه‌کار عربی در حاشیه جنوبی خلیج فارس، به‌ویژه در بحرین و یمن تلاش کرد تا از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران جلوگیری کند. هم‌زمان برخی کشورهای اروپایی در حرکتی نسبتاً جدید تلاش کردند تا میان افکار عمومی و طبقه متوسط در ایران و حاکمیت، شکاف ایجاد کنند و فشارهای داخلی علیه نظام سیاسی و برنامه هسته‌ای کشور را تشدید کنند. تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خبری و سرگرمی فارسی‌زبان چون بی‌بی‌سی فارسی (۲۰۰۹)، من و تو (۲۰۱۰) و ایران اینترنشنال (۲۰۱۷) در کنار رسانه‌های قدیمی‌تری همچون دویچه وله فارسی و نیز رادیوی فارسی‌زبان فرانسه همگی در بجه‌نامه مناقشه‌اتمی میان ایران و غرب یا شکل گرفتند یا به دامنه فعالیت‌های خود علیه ایران افزودند.

همکاری سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی (هلند، آلمان، انگلیس و فرانسه) با اسرائیل با هدف خرابکاری در تأسیسات اتمی نطنز از طریق واردسازی ویروس

رومانی به ایتالیا و فرانسه گذشته از اهمیت سیاسی آن، سبب امضای توافقات اقتصادی بزرگی شد. سرعت عملی که در تنظیم این ۲ دیدار اروپایی انجام شد، حتی نگرانی روس‌ها و چینی‌ها را برانگیخت.

بر اثر این گشایش، ۲ غول اتومبیل‌سازی، دایملر و پژو سیتروئن با شرکای ایرانی خود، از جمله ایران خودرو توافق کردند که خط مشترک تولید خودرو را در ایران راه‌اندازی کنند. غول صنعتی آلمان، زیمنس قراردادی را برای ساخت لوکوموتیو امضا کرد و شرکت نفتی فرانسوی توتال مجدداً با قراردادی ۵ میلیارد یورویی به میدان‌گازی پارس جنوبی بازگشت. در حوزه صنعت هوایی، شرکت فرانسوی ایرباس قراردادی را با طرف ایرانی خود جهت نوسازی ناوگان هوایی فرسوده ایران با فروش بیش از ۱۰۰ فروند هواپیمای جدید به ایران به امضا رساند. در زمینه تولید انرژی‌های تجدیدناپذیر هم چندین قرارداد مهم با شرکت‌هایی از اتریش، انگلیس و هلند حاصل شد (فیدلر، ۲۰۱۸: ۲۹۹).

همچنین به‌واسطه فضای جدید حاصل از برجام، حجم تجارت خارجی ایران و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷، به ۲۱ میلیارد یورو رسید. در فوریه سال ۲۰۱۸، ۴۰ درصد نفت صادراتی ایران به کشورهای عضو اتحادیه اروپا (انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، یونان و مجارستان) روانه می‌شد (اوپن‌گ و رید، ۲۰۱۸). باین‌همه، زرمه‌های خروج ایالات متحده از برجام در همان سال نخست ریاست جمهوری ترامپ، از شتاب روابط اقتصادی ایران و اروپا کاست تا عاقبت با خروج رسمی واشنگتن در می سال ۲۰۱۸، مجدداً این روابط عملاً به حالت تعلیق درآمد و وضعیت آمار تجارت، یادآور خشکی مناسبات در سال ۲۰۱۳ شد.

۳.۳. جایگاه اروپا در سیاست خارجی دولت سیزدهم

منطقی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اروپا وجود دارد که طی ۴ دهه و

9. Blocking Stature

10. Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

برجام به عمل آورند، اما لحن انتقادی رئیس‌جمهور و دولت نسبت به غرب، چنین روایت می‌کرد که ایران کمتر از اروپا به بازسازی روابط خوش‌بین است.

حسین امیرعبداللهیان، در موضع ارائه برنامه‌های خود برای تصدی سمت وزارت امور خارجه در مجلس شورای اسلامی در مرداد سال ۱۴۰۰، خطوط اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم (که متعاقباً هم با رفتار عملی در سیاست خارجی تطابق داشت) را چنین ترسیم کرد: سیاست خارجی دولت سیزدهم، همسایه‌محور و آسیامحور است، زیرا قرن ۲۱ متعلق به آسیا است؛ بنابراین در غرب آسیا به دنبال نهادینه سازی دستاوردهای میدانی مقاومت و در شرق آسیا به دنبال استفاده از ظرفیت قدرت‌های نوظهور اقتصادی برای رشد اقتصادی کشور و رفع محرومیت خواهیم بود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰).

مقایسه استقبال متفاوت قدرت‌های شرقی و غربی نسبت به پیروزی رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری ایران، ترسیم چشم‌انداز روابط خارجی ایران را چندان دشوار نمی‌کند. در همان روزهای نخست دولت سیزدهم، جمهوری تاجیکستان مخالفت خود را با عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای برداشت و روسیه و چین نیز موافقت خود را با حضور ایران به‌عنوان عضو دائم اعلام کردند. ولادیمیر پوتین، نخستین رهبر خارجی بود که پیروزی رئیسی را تبریک گفت.

اولین دیدارهای رسمی رئیس‌جمهور با رؤسای کشورهای منطقه (تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قطر) انجام شد و رئیس‌جمهور در ۷ ماه نخست از ریاست جمهوری خود ۳ بار با پوتین دیدار کرد. از طرف چینی‌ها هم سیگنال‌های مشابهی دریافت شد. چنانچه چین در تیر سال

اندی که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، همچنان استقامت خود را حفظ کرده‌است. براساس این منطق، ایران به حفظ رابطه هرچند کنترل‌شده با اروپا به ۲ دلیل نیاز دارد: نخست، ضرورت تأمین نیازهای تکنولوژیک و دسترسی به سرمایه خارجی؛ دوم، ضرورت جلوگیری از هم‌گرا شدن اروپا با ایالات متحده برای مهار و مقابله با ایران. در کنار این استدلال بادوام، همواره درجه دوری و نزدیکی با اروپا، محل اختلافات سیاسی گسترده میان جناح‌های سیاسی کشور بوده‌است.

دولت روحانی پس از اجرای توافق برجام، این فرصت به‌موقع را یافت تا به روابط از‌نفس‌افتاده ایران و اروپا پس از بالا گرفتن تنش هسته‌ای بین ایران و غرب و پیوستن کامل اتحادیه اروپا به تحریم‌های ایالات متحده، انرژی و روح تازه‌ای بدمد. حجم دیدارهای دیپلماتیک هیئت‌های اروپایی از ایران اعم از مقامات بلندپایه، نمایندگان ارشد اتحادیه اروپا تا شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در کل تاریخ روابط خارجی طرفین بعد انقلاب بی‌سابقه بوده‌است. باین‌حال، خروج ایالات متحده از برجام به فاصله ۲ سال پس از اجرای برجام و کرنش عملی بنگاه‌ها و شرکت‌های مالی و تجاری و اقتصادی اروپایی در برابر خواست دولت ایالات متحده جهت ازسرگیری اجرای تحریم‌ها، مانع از شکوفایی سیاست اروپایی دولت روحانی شد (آدبار، ۲۰۲۱: ۳).

جایگاه اروپا در سیاست خارجی دولت رئیسی می‌تواند متفاوت‌تر از دولت‌های گذشته باشد. با آنکه اروپایی‌ها با ارسال انریکه مورا، معاون نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری ایران، سعی کردند تا استقبالی محتاطانه از رئیس‌جمهور جدید در راستای حفظ پل ارتباطی با ایران به امید احیای

۱۴۰۱ در کنار روسیه موافقت خود را با عضویت ایران در سازمان بریکس اعلام کرد.

در مقابل، اروپایی‌ها مشی متفاوت‌تری را در پیش گرفتند. با آنکه امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در ۲ تماس تلفنی با رئیس‌جمهور ایران در تاریخ‌های اکتبر سال ۲۰۲۱ و ژانویه سال ۲۰۲۲ درباره تسریع بخشیدن به مذاکرات اتمی و نیز اقناع ایران به انعطاف بیشتر درباره این مذاکرات، سعی کرد تا یک کانال ارتباطی از سوی اروپایی‌ها با ایران باز کند، اما اصولاً رهبران اروپا تلاش چندانی جهت تحت فشار قرار دادن ایالات متحده جهت انعطاف بیشتر در مذاکرات حسب خواسته‌های معقول ایران، همچون بحث ضمانت‌ها یا موضوع بسته شدن پرونده مسائل پادمانی در صورت حصول توافق از خود نشان نداده‌اند.

خارج از تلاش بی‌وقفه جوزف بورل، نماینده ارشد سیاست خارجی مشترک اروپایی و معاون او انریکه مورا برای به نتیجه رساندن مذاکرات اتمی، حمایت اروپایی‌ها از گروه‌های مخالف ایران، به‌ویژه سازمان مجاهدین خلق همچنان به‌عنوان یک مسئله کش‌دار باقی مانده‌است. چنانکه به فاصله کوتاهی پس از پیروزی رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری، این سازمان، پویش رسانه‌ای گسترده‌ای علیه رئیس‌جمهور در پیش گرفت. فرانسه به‌مدت کوتاهی پس از پیروزی رئیسی در انتخابات خواهان آن شد تا موضوع توان موشکی ایران نیز در دور جدید مذاکرات اتمی به بحث گذاشته شود و علاوه بر آن، پیشنهاد داد تا شماری از کشورهای منطقه که نگران برنامه هسته‌ای ایران هستند نیز در این مذاکرات حضور داشته باشند. واکنش تند ایران به هر ۲ پیشنهاد، باعث شد تا این پیشنهادها از دستورکار اروپا خارج شود.

به دلایلی همچون سپری شدن مدت کوتاهی از آغاز فعالیت دولت سیزدهم و ابهام در سرنوشت فرجام برجام، ترسیم چشم‌انداز روشنی از روابط ایران و اتحادیه اروپا دشوار است. باین‌حال، بنا به روندهای جاری و عوامل به هم مرتبط زیر به‌نظر می‌رسد دولت رئیسی برخلاف دولت‌های گذشته، مناسبات متوازن‌تری بین قدرت‌های بزرگ در پیش گیرد و اروپا دیگر شریک نخست تجاری ایران نخواهد بود و در بهترین حالت به یکی از شرکای عمده تبدیل شود.

نخست، حتی اگر توافق هسته‌ای احیا شود، اروپا جایگاه سنتی خود را در بازار ایران به‌دلیل ناطمینانی از آینده نسخه جدید برجام نخواهد یافت. امتناع آمریکایی‌ها در ارائه ضمانت در صورت خروج از برجام و حتی تهدید جمهوری خواهان مبنی بر عدم پای‌بندی به توافق در صورت پیروزی در انتخابات سال ۲۰۲۴ ریاست جمهوری آن کشور، کافی است تا شرکت‌های اروپایی به‌جای عقد قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری، صرفاً وارد توافقات تجاری کوتاه‌مدت شوند. لابی سنگین ضدبرجامی اسرائیلی‌ها و تهدید شرکت‌های اروپایی به عدم ورود به بازار ایران نظیر آنچه که در فردای پس از اجرای برجام در دولت روحانی انجام دادند، زمینه اندکی برای خوش‌بینی درباره احیای روابط گسترده اقتصادی میان ایران و اروپا بر جای می‌گذارد.

دوم، بحران اوکراین به‌عنوان بزرگ‌ترین زلزله ژئوپلیتیک پس از جنگ جهانی دوم، ایران و روسیه و چین را علیه غرب بیش از پیش به یکدیگر نزدیک ساخته‌است. روسیه یک سپر ژئوپلیتیک برای چین جهت جلوگیری از تقابلیش با ایالات متحده است. صرف‌نظر از همه پیامدها و عوامل پیچیده اقتصادی و سیاسی این بحران، پکن برای حمایت از مسکو

جدول ۱. تجارت کالایی اتحادیه اروپا با ایران

شاخص	واحد	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	متوسط رشد سالانه
واردات	میلیارد دلار	۱۰/۱	۹/۴	۰/۷	۰/۷	۰/۹	-۴۵/۰
صادرات	"	۱۰/۶	۸/۷	۴/۴	۳/۷	۳/۹	-۲۱/۹
تراز تجاری		۰/۵	-۰/۷	۳/۷	۳/۰	۳/۰	

موشکی این کشور از طریق فروش سامانه S ۳۰۰، نقش چشمگیری ایفا کرده‌است. این در حالی است که اروپایی‌ها برد موشکی ۳۰۰ کیلومتری با حجم سوخت ۵۰۰ کیلوگرمی را در زمره رژیم کنترل فناوری موشکی^{۱۱} قرار داده و از این حیث نگران و مخالف افزایش برد موشکی ایران هستند (پرمانت، ۲۰۲۱).

علاوه‌براین، مانور دریایی مشترک روسیه و ایران و چین در دریای عمان در شمال اقیانوس هند در بهمن سال ۱۴۰۰ (که اولین مانور روسیه در خاورمیانه پس از جنگ سرد است) خود جملگی حاوی کدهای معنادار ژئوپلیتیک است. روسیه و چین به دلیل گسترش اختلافات ژئوپلیتیک خود با ایالات متحده و اروپا برای ادغام هر چه بیشتر ایران در نهادهای منطقه‌ای، سیاسی، امنیتی و اقتصادی،

دلایل محکم ژئواستراتژیک خود را دارد. خاصه آنکه چینی‌ها عمیقاً نگران تکرار این سناریو از سوی غرب درباره تایوان هستند (شریعتی‌نیا، ۱۴۰۱: ۳۶-۳۳).

سفر جنجالی نانسی پلوسی در آگوست سال ۲۰۲۲ به تایوان با واکنش لفظی تند پکن و توأم با رزمایش ۳ روزه همراه بود و پیامد آن سفر چند نماینده کنگره ایالات متحده به تایوان نشان از آن دارد که این نگرانی پایه و اساسی دارد.

به‌طور کلی، اگر پایه‌های همکاری استراتژیک ایران و روسیه را بحران سوریه بنیان نهاد، بحران اوکراین آن را مستحکم کرد. همین پایه‌های استراتژیک است که باعث شده‌است تا روسیه برخلاف اروپا، با ۲ سیاست «عمق استراتژیک» و «تقویت محور مقاومت» مشکل اصولی نداشته باشد و حتی آن را تقویت کند. روسیه هم به توسعه صنعت هسته‌ای ایران کمک کرد و هم به پیشبرد صنعت هوا فضا و هم در تقویت توان موشکی و توسعه پدافند

11. Missile Technology Control Regime (MTCR)

جدول ۲. تجارت خدمات اتحادیه اروپا با ایران

شاخص	واحد	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	متوسط رشد سالانه
واردات	میلیارد یورو	۱/۲	۱/۰	۰/۶	۰/۸	-	-
صادرات	"	۱/۷	۱/۴	۰/۷	۰/۵	-	-
تراز تجاری		۰/۴	۰/۴	۰/۱	-۰/۳	-	

به‌طور کلی، از آغاز گفت‌وگوهای هسته‌ای بین ایران و غرب در سال ۲۰۰۳، بنای اروپا آن بوده‌است که هم از هسته‌ای شدن ایران و هم از مصاف نظامی ایران و ایالات متحده به‌خاطر برنامه اتمی ایران جلوگیری شود. ممانعت اتحادیه اروپا از دستیابی ایران به چرخه کامل تولید سوخت اتمی جای تعجبی ندارد، چراکه در صورت حصول ایران به این چرخه، هم دومینوی هسته‌ای در منطقه رخ خواهد داد و هم در صورت نظامی شدن این برنامه، برتری هسته‌ای اسرائیل از میان خواهد رفت، موضعی که دست‌کم اروپا، ایالات متحده، کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس و اسرائیل در یک صف قرار می‌دهد و از این حیث، موضع‌گیری اروپا در این رابطه چندان محل تعجب نیست.

از آنجا که اروپا با میانجی‌گری بین ایران و ایالات متحده در ۲ نوبت، یکی در دولت جورج بوش (توافق پاریس ۲۰۰۵) و دیگری در دولت باراک اوباما (توافق برجام ۲۰۱۵) مانع از رویارویی نظامی واشنگتن و تهران شده‌است، این اتحادیه همچنان وزن کنش‌گری و اهمیت استراتژیک خود را برای ایران به‌عنوان بازیگری که قدرت تأثیرگذاری بر ایالات متحده دارد، حفظ خواهد کرد.

علی‌رغم این نکته، بحران اوکراین به‌نظر از ظرفیت میانجی‌گری اروپا در مذاکرات اتمی قدری کاسته‌است. اگرچه نماینده ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا، جوزف بورل و تیم همراهش توانستند با ابتکار عمل‌هایی در مقاطعی ایران و ایالات متحده را به مرز توافق برسانند، اما از قدرت تأثیرگذاری اروپا بر قدرت‌های شرقی، مشخصاً روسیه جهت همراهی با غرب در اعمال فشار بر ایران به‌واسطه درگیری شدید اقتصادی و سیاسی آن اتحادیه با روسیه بر سر بحران اوکراین که ریشتر آن از تعارضات ایدئولوژیک

از جمله مهم‌ترین اینها، سازمان پیمان همکاری‌های شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس سعی کرده‌اند. معنای این برهم‌کنش‌های سیاسی بین ایران، روسیه و چین این است که به هر مقدار که این نزدیکی بیشتر شود بر حجم روابط تجاری و اقتصادی ایران با آن‌ها افزوده شده و به همان نسبت از سهم اروپا در بازار ایران کاسته خواهد شد.

در یک مقایسه معنادار، در حالی که حجم مناسبات تجاری ایران در سال ۲۰۲۱ با چین به ۱۴/۸ میلیارد دلار و با روسیه به ۴ میلیارد دلار رسیده‌است، حجم مبادلات تجاری ایران و اروپا به کمترین سطح خود از زمان اجرای برجام رسید. طبق آمار منتشرشده از سوی اداره کل تجاری کمیسیون اروپا از سال ۲۰۱۷ به بعد تجارت میان ایران و اروپا به‌طرز چشمگیری سیر نزولی داشته‌است، به‌گونه‌ای که از ۲۰/۷ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ به ۴/۸ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۱ رسید (کمیسیون اروپایی، ۲۰۲۲) (جدول شماره ۱). در حوزه تجارت خدمات بین ایران و اتحادیه اروپا نیز شاهد افت مشابهی در این رابطه هستیم، قسمتی که حجم کل تجارت خدمات بین ۲ طرف از ۲/۹ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷، به ۱/۳ میلیارد یورو در سال ۲۰۲۰ کاهش داشته‌است (کمیسیون اروپایی، ۲۰۲۲).

با این حال، چنین به‌نظر می‌رسد که حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، چندان از الگوی تنزلی تبعیت نکرده‌است، به‌گونه‌ای که حجم سرمایه‌گذاری خارجی اروپا در ایران از ۳/۲ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷، به ۴/۲ میلیارد یورو در سال رسیده که اندکی رشد را نیز نشان می‌دهد (کمیسیون اروپایی، ۲۰۲۲) (جدول شماره ۲).

ملاحظات سنتی ایران را برای حفظ و کنترل حدی از روابط با اروپا برای تأمین نیازهای اقتصادی خود، کم‌سو کرده‌است.

اگر احیای برجام به سرانجام روشنی نرسد، دوری ایران از اروپا شدت بیشتری خواهد یافت و حتی اگر هم توافقی رخ دهد، مناسبات اقتصادی فی‌مابین این ۲ کنش‌گر به سطوح ۳ دهه پس از انقلاب که طی آن اروپا شریک نخست تجاری ایران بود، نخواهد رسید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاق پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

حامی مالی

این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره ۹۹۰۱۹۵۹۸ انجام شده است.

تشکر و قدردانی

از صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) به دلیل حمایت از این پژوهش، تشکر و قدردانی می‌شود.

و ژئوپلیتیکی دوران جنگ سرد به مراتب عمیق‌تر است، کاسته شده‌است. این شکاف بین‌المللی ژئوپلیتیک، فضای دیپلماسی را برای ایران جهت امتناع از انعطاف در برابر خواسته‌های غرب حول برنامه هسته‌ای‌اش بازتر کرده‌است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

روابط ایران و اروپا از سابقه طولانی برخوردار است و در مقطعی قبل از انقلاب اسلامی، همکاری در ابعاد مختلف، به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی و صنعتی گسترش زیادی پیدا کرد، به طوری که اروپا و به‌خصوص آلمان در پایه‌گذاری بخش‌هایی از صنعت کشور نقش مهمی ایفا کرد. قرار گرفتن مذاکرات اتمی در متن مناسبات ایران و غرب، مانع از شکل‌گیری یک چارچوب حقوقی و نهادینه‌شده همکاری میان ایران و اتحادیه اروپا شده‌است. به‌رغم آنکه در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی میان ایران و اروپا منافع مشترک وجود دارد، به‌ویژه در حوزه‌های انرژی، سرمایه‌گذاری و تجارت، اما همواره موانع بازدارنده مانع از تحقق این ظرفیت‌ها شده‌است.

فشارهای ایالات متحده، برنامه هسته‌ای ایران، اختلاف نظرهای اتحادیه اروپا و ایران درباره موضوعاتی مانند تروریسم، رویکرد غرب در تحولات خاورمیانه، به‌ویژه فلسطین و حقوق بشر و نیز عدم تمایل کشورهای عربی و اسرائیل به نزدیکی بیشتر میان ایران و اتحادیه اروپا، از جمله موانع بسط و گسترش روابط میان ۲ طرف بوده‌است.

صرف‌نظر از عوامل و متغیرهای فوق، افول نسبی موقعیت بین‌المللی ایالات متحده، به‌ویژه خروج سراسیمه‌وار و شکست‌گونه نیروهای آن کشور در افغانستان در آگوست سال ۲۰۲۱ هم‌زمان با افزایش نفوذ قدرت‌های شرقی همچون چین، روسیه و هند،

منابع فارسی

- ایزدی، پ. (۱۳۸۸). روابط ایران و فرانسه. روابط ایران و اتحادیه اروپایی: قابلیت‌ها و محدودیت‌ها. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها. تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- خبرگزاری فارس. (۱۴۰۰). جزئیات بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی خارجه/موافقان و مخالفان امیرعبداللهیان چه گفتند؟
- شریعتی‌نیا، م، دیوسالار، ع، و قهرمان پور، ر. (۱۴۰۱). چشم انداز مناسبات قدرت های بزرگ پس از بحران اوکراین. تهران: ایراس
- علی‌پور، ح. (۱۳۹۸). بومی‌گرایی، پساتوسعه‌گرایی و خروج جمهوری اسلامی از گفتمان توسعه. فصلنامه سیاست، ۴۹(۲)، ۴۷۱-۴۵۳.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۹۷). از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی. فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳۲(۴)، ۶۴-۴۳.
- نورعلی‌وند، ی. (۱۳۹۴). روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره پسابرجام. دیدبان امنیت ملی، ۴۷، ۵۶-۴۷.
- نیکنامی، ر. (۱۳۹۴). تحریم اتحادیه اروپا علیه ایران، تأثیر و کارایی. نگاه ایرانی روابط خارجی (ایرفا)، ۶(۲)، ۳۶-۵.

References

- Luman, A. (2018). *British diplomacy and the Iranian revolution 1978-1981*. London: Palgrave Macmillan. [DOI:10.1007/978-3-319-94406-7]
- Adebahr, C. (2021). Looking beyond Iran to the Persian Gulf: German foreign policy must get serious about the entire region. Retrieved from: [Link]
- Adebahr, C. (2017). *Europe and Iran the nuclear deal and beyond*. London: Routledge. [DOI:10.4324/9781315513294]
- Alipour, H. (2019). [Nativism, post developmentalism, and IRI escape from the development discourse(Persian)]. *Politics Quarterly*, 49(2), 453-471. [DOI:10.22059/JPQ.2019.273382.1007369]
- Bermant, A. (2021). European missile defence: A Russian self-fulfilling prophecy. Retrieved from: [Link]
- Browne, N. (2010). *FOI release: Report on British policy on Iran 1974-1978*. London: Foreign & Commonwealth Office.[Link]
- Bakhtiari, M. J., & Hossein Nia Salimi F. (2013). UK and EU-Iran relations. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 4(2), 135-164. [Link]
- Castiglioni, C. (2015). The EEC and Iran : From the revolution of 1979 to the lauch of the critical dialogue in 1992. *Journal of European Integration History*, 21(1), 69-88. [DOI:10.5771/0947-9511-2015-1-69]
- Dessi, A., & Ntousas, V. (2018). *Europe and Iranin a fast-changing Middle East*. Rome: Istituto Affari Internazionali. [Link]
- Dupont, P. E. (2012). Countermeasures and collective security: The case of the EU sanctions against Iran. *Journal of Conflict & Security Law*, 17(3), 301-336. [DOI:10.1093/jcs/kr020]
- Ewing, J., & Reed, S. (2018). European companies rushed to invest in Iran. What now? Retrieved from: [Link]
- European, Commission. (2022). European Union, trade in goods with Iran. Retrieved from: [Link]
- Farsnews. (2021). [The details of the examination of the competence of the proposed foreign minister/ what did the supporters and opponents of Amir Abdollahian say? (Persian)]. Retrieved from: [Link]
- Radoslaw, F. (2018). Iran and the European Union after the nuclear deal. *Alexandru Ioan Cuza University of Iasi, Centre for European Studies, Iasi*, 10(3), 291-305. [Link]
- Fiedler, R. (2016). European Union and the Islamic Republic of Iran: Opportunities and challenges. Retrieved from: [Link]
- Institute for Political and International Studies. (2012). *[Iran and the European Union: Experiences and perspectives (Persian)]*. Tehran: Abrare-Moaser. [Link]
- Izadi, P. (2009). *[Relations between Iran and France. Relations between Iran and the Union European: Capabilities and limitations (Persian)]*. Tehran: Center for Strategic Research.
- Roach, S. C., Griffiths, M., & Callaghan, T. O. (2013). *International relations: The key concepts*. London: Routledge. [Link]
- Magazine of the European Community. (1979). The EEC-Iran Relationship; March-April.
- Blockmans, S., Ehteshami, E., & Bahgat, G. (2016). *EU-Iran relations after the nuclear deal*. Bruxelles: CEPS [Link]
- Moshirzade, H. (2019). [From the discourse of the Islamic Revolution to the discourse of the foreign policy of the Islamic Republic (Persian)]. *Journal of Foreign Policy*, 32(4), 43-64. [Link]
- Niknami, R. (2016). [European sanctions against Iran: Impacts and effectiveness (Persian)]. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 6(2), 5-36. [Link]
- Nooralivand, Y. (2016). [Relations between Iran and the European Union in the Pasa Barjam era (Persian)]. *National Security Watch*, 47, 47-56. [Link]
- Parsi, T. (2007). *Treacherous Alliance; The secret dealings of Israel, Iran and United States*. New Haven: Yale University Press. [Link]
- Shariatnia, M., Divsalar, A., & Ghahremanpoor, R. (2022). *[The perspective of great power relations after the Ukraine crisis (Persian)]*. Tehran: Iras. [Link]

Shirvani, T., & Vuković, S. (2015). After the Iran nuclear deal: Europe's pain and gain. *The Washington Quarterly*, 38(3), 79-92. [DOI:10.1080/0163660X.2015.1099026]

Wendt, A. (1999). *Social theory of international politics*. Cambridge: Cambridge University Press. [Link]